

این "روزنه" آزادی نباید غفلت می‌گردیم .  
 سرمقاله‌های مجله و بسیاری از مقالات دیگر و اشعار و مخصوصاً داستان‌هایی که  
 رسماً طرز تانکنیک چریکی را به مردم یاد می‌داد شاهد گویای این ساله است .  
 اما خدارا شکر که با انقلاب شکوهمند ملت ایران برای همیشه از شر طاغوت و  
 سانسور طاقت‌فرسایش راحت شدیم . و امروز به فضل پروردگار هر چه می‌خواهیم می‌نویسیم .

۱- این راهم بدانید که از نظر دستگاه طاغوت " مکتب اسلام " جزء اوراق مضره بود و  
 به همین دلیل طی بخشنامه‌ای ورودش را در ستاری از مراکز نظامی ( بادر همه آنها )  
 ممنوع ساخته بودند .



آن سنگری که دست تو با من بست  
 برجاست در کنار شهابانها  
 اکنون ناشسته خون کفن‌ها خشک  
 ننگ است تیغ تهمت و بهتانها

••

"الله اکبر" من و تو بریام  
 در جستجوی آن دل آگاه است  
 و آن طفل خردسال در این لحظه  
 در انتظار " نصر من الله " است

••

سگر بجاست دشمن با برجاست  
 نامرد سگ تفرقه انداز  
 کافر بود کسی که در این لحظه  
 وارا به مگر و حیله جدا سازد

ای دست گرم پاک ، کجا هستی ؟  
 ای دست من به دست تو خوگرده  
 ای آنکه دست دشمن خون آشام  
 با من ترا به حیله عدو کرده .

••

آن دست گرم پاک ، که عمری بود  
 با دست من همیشه به یک زنجیر  
 تا شد رها ز حلقه این پیوند  
 اکنون مرا چگونه کند تحقیر ... ؟

••

ای دستهای گرم کجا هستید ؟  
 اینک زمان ساز جدائی نیست  
 آهنگ تلخ ساز جدائی‌ها  
 در گوش من سرود رهائی نیست

دشمن بجاست سگر ما برجاست